

مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه پایدار بافت‌های شهری؛

مطالعه موردی شهر خرم دره

علی سهندی

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

مجید شمس^۱

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

علیرضا سلیمانی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۴

چکیده

بازآفرینی شهری یکی از مهمترین استراتژی‌ها برای نشان دادن محرومیت و روال درون شهر است. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. به بیان دیگر بازآفرینی شهری، عبارت است از دید جامع و یکپارچه به مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بی‌انجامد، به طوی که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد. هدف اصلی این مقاله عبارت است از مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه پایدار بافت‌های شهری شهر خرم دره است. سوال اصلی مقاله این است که آیا بازآفرینی شهری بر توسعه پایدار شهری خرم دره تاثیر دارد؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که توسعه پایدار نیازمند اقتصاد با ثبات و نظام اجتماعی است که در برابر شوک‌ها مقاومت کند و امکانات رفاهی را برای نسل‌های آینده تضمین نماید، عواملی مانند تورم، انحصارگرایی، فقر و آلودگی محیط زیست نشانگر عدم بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی و اقتصادی و محرومیت قشر وسیعی از آحاد جامعه از منافع حاصله می‌باشد که حاکی از فقدان فرصت‌های برابر و وجود نآزادی‌های استفاده همگان از امکانات موجود است که به نابرابری‌ها دامن زده و سبب توسعه نیافتگی می‌شود. مطابق با یافته‌های بدست آمده از تحقیق حاضر، در شهر خرم دره وضعیت اقتصادی در حد متوسط است و بیشتر مردم با مشاغلی چون کارمندی، کارگری و کشاورزی اینگونه اظهار نظر می‌کنند که؛ وضعیت اقتصادی شهرشان تابعی از اقتصاد کلان کشور است. کشاورزان نیز به عنوان قشری مهم و تولیدکننده معیشت خود را وابسته به برنامه‌ها و سیاست‌های دولت دانسته‌اند. البته نباید از این نکته غافل بود که در چند سال اخیر خیل جوانان بیکار و تحصیلکرده از وضعیت خود ناراضی بوده و می‌گفتند برای رسیدن به توسعه پایدار شهری قبل از هر چیز بایست مدیران شهری به مولفه اقتصاد توجه نشان دهند.

کلیدواژگان: توسعه پایدار، بافت‌های شهری، شهر خرم دره.

مقدمه

در ایران و در سطح خرد شهرهای آن، چند دهه است که مقوله بازآفرینی شهری به صورت جدی مطرح می‌گردد. سیاست‌گذاری در این حوزه از رویکردهای با غلبه مسائل کالبدی و حتی تا حدودی تاکید بر رویکردهای تامین مالی و سودآوری‌های اقتصادی، تا تحولات چند سال اخیر که تلاش گردیده است تا رویکردهای اجتماعی نیز در کنار دیگر مسائل دیده شود، تغییر یافته است. با این حال به دلیل وجود انواع پیچیدگی‌ها در شهرهای امروزی ایران، از جمله پیچیدگی در نقش و عملکرد سازمان‌های مسئول و ذی ربط، روابط نهادی و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی موثر بر تعامل میان کنشگران این حوزه، به همراه چالش‌های مدیریتی توسعه شهری، همچنان راهکار قابل قبول و تجربه موفق با تاکید بر بعد رویه‌ای بازآفرینی شهری، مورد عمل قرار نگرفته است. با وجود به این که در چند دهه اخیر، فرآیندها و چارچوب‌های مدیریت توسعه شهر در بیشتر شهرهای جهان، تحولات گسترده‌ای به سوی توسعه پایدار داشته‌اند، شهرهای ایران از جمله خرم‌دره همچنان نتوانسته متناسب با این تحولات و در راستای کارآمدی بیشتر نظام مدیریت توسعه پایدار شهری تغییر یابد. تجربه ایجاد دفاتر محلی و تسهیل‌گری نوسازی، هر چند گامی نوین در تغییر در فرآیندهای نوسازی و بازآفرینی شهری بوده اما همچنان نیازمند بررسی از نظر نقش، جایگاه و ماهیت ارتباط آنها، با سایر کنشگران محلی می‌باشد.

در فرآیندهای بازآفرینی شهری نیز، این تحولات در سطح جهان صورت پذیرفته است. در حالی که در رویکردهای نظری جهانی و همچنین نمونه‌های اجرایی مطرح در نقاط مختلف، نهادهای محلی با تاکید بر نقش اجتماع محلی، نقش اساسی و تاثیر گذاری را در این فرآیندها به خود اختصاص داده‌اند و ظرفیت‌سازی‌ها در چارچوب‌های محلی صورت می‌گیرد و مدل‌ها و ابعاد توسعه پایدار مطرح می‌شود، اما همچنان در ایران تغییر در این فرآیندها به صورت موثر و کارآمد صوت نگرفته است و به ویژه فرآیندهای ظرفیت‌سازی و توانمندسازی نهادها مبتنی بر تعامل و همکاری میان آنها شکل نگرفته است. یکی دیگر از مسائل موجود در این زمینه، عملیاتی نشدن این مفاهیم در چارچوب‌های نهادی و ساختارهای مدیریتی می‌باشد. در این فرآیند روابط نهادی میان کنشگران اصل مدیریت بازآفرینی شهری در سطح محلی شهر خرم‌دره، مبتنی بر نقش آنها در این فرآیندها نبوده و بنابراین نمی‌تواند به صورت کارآمد اقدام نمایند.

بازآفرینی شهری به مثابه جریانی است همه‌سویگر در عرصه معماری شهری که به تمامی وجوه و ابعاد توسعه فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی توجه می‌کند و ظرفیت و فرصتی است برای رسیدن به توسعه و یا قرار دادن شهر در درون مسیر توسعه متوازن که در واپسین دهه‌های قرن بیستم میلادی قانون توجه سیاست‌های اصلی دولت‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی در برابر مشکلات ناشی از فرسودگی بافت مناطق شهری قرار گرفت. بازآفرینی شهری برنامه جامع و در برگیرنده برنامه‌های ارتقای کیفی ساختار شهری با اهداف و مقاصد منسجم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد.

بازآفرینی شهری همانند بسیاری از برنامه های هممنوع خود بوسیله برنامه ریزان و سیاستگذاران با رویکرد مرمت و بهسازی شهر در مسیر تحول و تکامل خود موجب بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد و نوزایی بافت فرسوده، قدیمی و ناکارآمد شهر می شود. در این مسیر تحول و تکامل باز آفرینی شهری از توجه صرف به کالبد شهر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز مورد توجه قرار داده است. با باز آفرینی شهری علاوه بر نشان دادن و تشخیص نقاط محروم و مشکل زا و مورد زوال شهر به خلق فضای شهری جدید با حفظ چهارچوب با صفات شهری جدید و نقش فعالیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدید منجر می گردد. در نهایت بازآفرینی شهری منجر به بهبود شیوه زندگی مردم و شهرسازی و معماری و رفاه و آسایش مردم می گردد. در واقع بازآفرینی شهری عبارت است از «دید جامع و یکپارچه به مجموعه اقداماتی که به حل مسایل شهری بی انجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را بوجود آورد (Robert, 2000: 19).

اصلی ترین مبحث مسائل شهری توسعه پایدار شهری است که توسعه ای مبتنی بر نیاز های واقعی و عقلایی با در نظر گرفتن ملاحظات مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی محسوب می گردد (الیوت، ۱۳۷۸: ۳). بنابراین شهر پایدار برآمده از فرایند توسعه ای است که ذهنیت و امکان ارتقاء همیشگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن شهر را توأم با سلامت فراهم نماید.

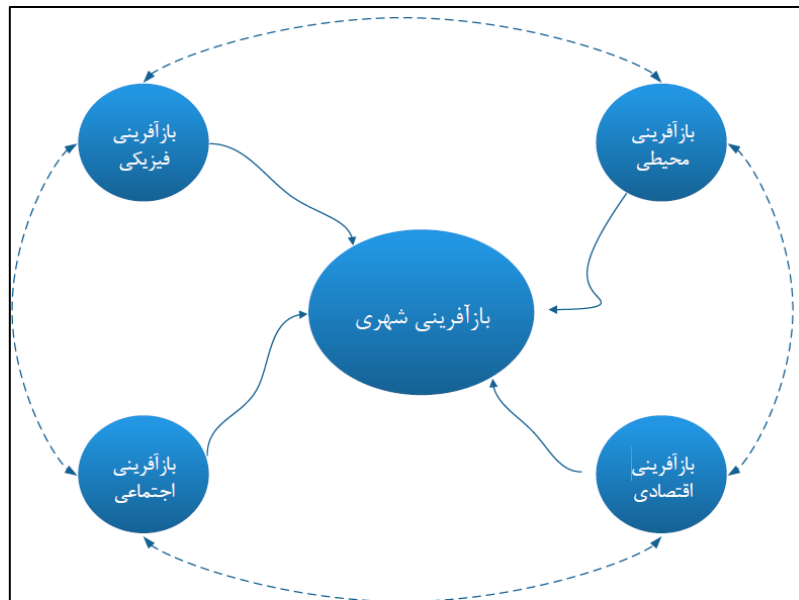
باتوجه به قدمت بخش اصلی شهر و به تبع آن فرسودگی و کم کارآمدی این بخش اصلی شهر موجب کاهش و یا ضعف فرهنگ اصیل و قدیمی این بخش از شهر می شود ضروری است به منظور پاسخ دادن و راه حل پیدا کردن این مسائل اقدامات بازآفرینی شهری صورت پذیرد. در نهایت در بافت قدیم و ناکارآمد شهر درآمد سرانه ساکنان کمتر از میانگین شهری است و نرخ بیکاری بالاتر از سایر نقاط شهری است و واحد های مسکونی کم دوام و تراکم نفر در واحد های مسکونی بالاتر از میانگین شهری است و دچار مشکلات زیست محیطی زیادی می باشند و میزان برخورداری و دسترسی ساکنان به خدمات شهری و وضعیت زیر ساخت های شهری نامناسب است.

رویکرد نظری

واژه «Regeneration» از ریشه فعل Regenerate به معنای احیا کردن، جان دوباره بخشیدن، احیا شدن، از نو رشد کردن بوده و همچنین در تعریف ای عبارت گفته می شود که به معنای بازتولید طبیعی، بخشی از یک تمامیت زنده می باشد که در معرض نابودی قرار گرفته است (بحرینی، ۱۳۹۲: ۲۰). بازآفرینی شهری، به مثابه روایتی فراگیر و یکپارچه از مرمت شهری، جریانی است که از یک سو به تمامی وجوه و محدودیت های امر توسعه در بطن شهر موجود توجه می کند و از سوی دیگر، به تدارک فرصت و استفاده از هر فرصتی برای تبدیل ساختن آن به ابزار یا راهی برای رسیدن به توسعه می پردازد (لطفی، ۱۳۹۰: ۴۸). بازآفرینی شهری، تغییر دادن ماهیت یک مکان است که اهداف و فعالیت های چند منظوره را با مشارکت ساکنان و دیگر عوامل مرتبط با این پروژه دنبال می کند و تورک (۲۰۰۵) سه مشخصه را برای بازآفرینی شهری معاصر ذکر کرده است:

- ۱- بازآفرینی شهری، ایجاد تغییر در ماهیت یک شهر است و روندی است شامل جامعه و دیگر بازیگران، با توجه به آینده آن مکان.
- ۲- شامل اهداف و فعالیت هایی است که جزء مسئولیت های عملکردی اصلی دولت مرکزی است و به مشکلات و پتانسیل های خاص ناحیه وابسته است .
- ۳- معمولاً تعدادی از اشکال مشارکت را در بر می گیرد. اگر چه این اشکال مشارکتی ممکن است متغیر باشند. ایده اصلی پشت استراتژی های بازآفرینی شهری ابداعی، ادغام است. ادغام ابعاد مداخله، ادغام وظایف شهری و ادغام شرکا و منابع. این مفهوم، هماهنگی سیاست های عمومی در زمینه های دانشی و تکنولوژی، صنعت و اقتصاد، آموزش و تعلیم و تربیت، حمل و نقل، مهاجرت و... عوامل کلیدی برای موفقیت این رویکرد جدید هستند. بازآفرینی شهری را می توان بر اساس میزان توسعه کشورها تفسیر و تعریف کرد. در اغلب اقتصادهای بیشتر توسعه یافته، هدف بخشیدن حیات دوباره ای به مرکز شهرها است که در اقتصادهای کمتر توسعه یافته به برنامه های کیفی نیز توجه کرده و آنها را لزوماً با احتیاجات کمی پیوند می دهند. بازآفرینی شهری بینش و عملی جامع و یکپارچه است که تمایل به بهبود مداوم در شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی ناحیه ای دارد که در معرض تغییر قرار گرفته است. بازآفرینی شهری موضوعی است که هم برنامه ریزان شهری، هم معماران و هم اقتصاددانان و جامعه شناسان با آن درگیر هستند. هر یک از این متخصصان دیدگاه خاص خود را دارند. به طور مثال یک جامعه شناس بیش از هر چیز دیگر، به آثار و نتایج اجتماعی فرآیند بازنده سازی شهری بر روی ساکنان، تاثیر بر اشتغال، بهبود کیفیت زندگی و همچنین نوسازی فرهنگی جامعه توجه دارد. بازآفرینی شهری عاملی مهم برای حفظ و پایداری شهر است. در واقع فرآیند باززنده سازی شهری با مساله توسعه پایدار ارتباط مستقیم دارد(پوراحمد، ۱۳۹۰: ۸۲).

نمودار ۱. بازآفرینی شهری



منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

هر شهر و یا محدوده ای از شهر، تحت تاثیر روال ها و فرآیندهای تغییر قرار دارد. برخی از شهرها و یا محدوده ها و نواحی از آن ها، بدون مشکل و مسئله در فرآیندهای معمول توسعه قرار دارند و در نتیجه فرآیند تغییر و توسعه در آنها به صورت خود به خودی صورت می گیرد. در این میان برخی دیگر به دلایل متفاوتی از چرخه فرآیند توسعه خارج شده و به صورت گسترده یا خرد دچار فرسودگی و زوال می شوند. شاید نتوان تئوری مفهومی مشخصی را در زمینه مفهوم « فرسودگی » و « افت » شهری یافت، در عین حال تعاریف متفاوتی در این زمینه مطرح می شوند. واژه « افت و زوال » در بستر توسعه شهری به معنای عدم اشتغال، جدایی گزینی اجتماعی، فرسودگی کالبدی و در نتیجه تنزل شرایط کیفیت زندگی در این نواحی است. در بسیاری از تعاریف رکود و زوال با تاکید بر جنبه های اقتصادی فرسودگی در نظر گرفته می شوند. در این رویکرد، افت، زوال و فرسودگی همراه با کاهش جمعیت (به دلیل مهاجرت به بیرون)، و کاهش اشتغال همراه با رکود در فعالیت ها و تجارت و در عین حال مرتبط با دو عامل اصلی دیگر کالبدی و اجتماعی تعریف می شود. این نوع نگاه به مساله فرسودگی تاکید بیشتری بر فرسودگی و ناکارآمدی عملکردی دارد.

متابولیسیم فضایی و به ویژه اجتماعی شهر مجموعه ای از ظرفیت ها و محدودیت هایی را در شرایط کالبدی و اجتماعی سبب می شود که منجر به شکل گیری محدوده هایی نابرابر در گستره شهر می شود. این نابرابری ها در کیفیت محیطی (هم کالبدی و هم اجتماعی) در بعضی نواحی شهری افزایش یافته و در برخی دیگر کاسته می شود و در نهایت به بدتر شدن شرایط کالبدی- اجتماعی، کاهش کیفیت زندگی گروه های اجتماعی ساکن در آن محدوده ها و کیفیت محیطی در شهر می گردد. با وجود اینکه همه بررسی ها نشان می دهد که فرسودگی پدیده ای تک بعدی نیست، اما اکثر مطالعات تنها با بررسی یک عامل شروع شد و در نهایت به جای در نظر گرفتن سایر عوامل

موثر ر فرسودگی، اثرات و پیامدهای فرسودگی را مورد بررسی قرار می دهند. نتیجه نهایی این است که اکثر تئوری های مرتبط با تغییرات شهری تنها به بخشی از این فرآیند پیچیده می پردازد.

بازآفرینی شهری رویکردی یکپارچه در زمینه مشکلات، فرصت ها، استراتژی ها و اقدامات در حوزه های کالبدی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. به عقیده رابرتز (۲۰۰۰) بازآفرینی به عنوان رویکردی یکپارچه و جامع و مجموعه ای از اقدامات مرتبط با آن است که منجر به رفع مشکلات شهری شده و به دنبال بهبود پایدار شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی یک محدوده موضوع تغییر می باشد. در علم زیست شناسی، بازآفرینی به معنای رشد مجدد بافت آسیب دیده یا از میان رفته، یا ترمیم و بازگرداندن آن به وضعیت اولیه خود است.

در مورد نواحی شهری هم به همین صورت است. بازآفرینی با رشد مجدد فعالیت های اقتصادی در مکان هایی که این فعالیت ها از میان رفته اند، ترمیم عملکردهای اجتماعی در مکان هایی که دچار عدم کارایی هستند، یا انسجام اجتماعی در مکان هایی که محرومیت های اجتماعی به وجود آمده و بهبود کیفیت محیطی یا تعادل زیست محیطی در مکان هایی که از میان رفته است، مرتبط است. بنابراین، بازآفرینی شهری بیشتر به جنبه مدیریت و برنامه ریزی برای بافت های شهری موجود مرتبط است تا برنامه ریزی و توسعه نواحی شهری جدید. (Couch&Fraser in Couch&et al,2003:2). بازآفرینی شهری دارای مفهومی فراتر از نوسازی (فرآیند با غلبه رویکرد تحولات کالبدی) و دیگر رویکردهای توسعه شهری است. بازآفرینی شهری دارای مفهومی یکپارچه، همراه راهبردهای بلند مدت با رویکردی استراتژیک است. بنابراین، از ویژگی های اصلی برنامه های بازآفرینی شهری می توان به رویکرد جامع و فرآیندی بلند مدت و تدریجی اشاره نمود. بررسی های اسنادی نشان می دهد که اگر چه در ابتدا عبارت بازآفرینی شهری تا حدودی معادل نوسازی شهری به کار رفت و خود واجد معنای تازه ای نبود ولی به تدریج این واژه در مقابل تبعات منفی « نوسازی شهری» بار معنایی مثبتی یافت. با وجود تعاریف جامع از بازآفرینی شهری و اهداف رویکردهای آن، عدم تعریف دقیق اهداف بازآفرینی سبب انتظارات بالا و غیر واقعی، به ویژه در میان اجتماعات محلی می گردد. تبیین اهداف چند گانه به معنای این است که اولویت بندی و تمرکز بر اهداف عملیاتی دشوار است. بنابراین، سیاست های بازآفرینی شهری در اجرا و تامین منابع از سوی حکومت های مرکزی در مقیاس زمانی مورد نظر آنها که معمولاً کوتاه است و دستیابی به تغییر واقعی آن در ان بازه زمانی با مشکلاتی همراه است در بسیاری از کشورها، سیاست های حکومت مرکزی به جای اقدامات طولانی مدت در راستای تحقق پایداری، در جهت « اقدامات اصلاح سریع» است (Tallon,2010: 10). همه این بررسی های نشان می دهد که بازآفرینی شهری در پی این است که با ایجاد تغییرات مثبت و پایدار، سبب بهبود وضعیت کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی محدوده هدف شود.

بازآفرینی در محدوده یک ناحیه یا محله معنا می یابد و کانون های رشد ایزوله در درون نواحی گسترده فرسوده، اغلب سبب جابجایی تغییر مکان مفهوم محلیت می شود. این رویکرد نه تنها سبب بهبود شرایط کلیت محله نمی شود، بلکه به جای برنامه ریزی یکپارچه درون نواحی شهری، گسست را در درون خود به همراه دارد. این انتقاد به

ویژه در اجرای پروژه های پرچم در درون شهرها بسیار به چشم می خورد. بنابراین ایجاد « جزیره های نوسازی در دریای فرسودگی» نه تنها سبب بهبود شرایط نمی شود، بلکه تضاد فضایی را نیز دامن می زند. این رویکردها بازگشت به مفهوم توسعه پایدار را بیش از پیش حائز اهمیت می سازد. نکته قابل توجه این است که ابعاد غیر کالبدی و محیطی بازآفرینی شهری، دارای اهمیت بسیار گسترده ای است. ابعاد اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی بازآفرینی آن را در عین جامعیت، با پیچیدگی های بسیار زیادی همراه نبوده است. اقتصاد دارای ساختاری اجتماعی است و ساختارهای اجتماعی دارای تاثیر مستقیم بر خروجی های اقتصادی مانند همکاری، بازار کار و نوآوری است. بازآفرینی شهری با ماهیت یکپارچه و چند بعدی خود، به عنوان فرآیند چند وجهی مطرح می شود که هدف آن بهبود کیفیت زندگی در نواحی شهری و در عین حال بازسازماندهی اقتصاد اجتماعی به ویژه در سطح محلی است. سرمایه گذاری در مردم، از طریق افزایش حمایت و پشتیبانی از ایده های کارآفرینانه، به عنوان بخشی از اقدامات در زمینه بازآفرینی اقتصادی در سطح محلی است. در عین حال این اقدامات از بعد اجتماعی می تواند منجر به تحقق اهداف اجتماعی شامل یکپارچه اجتماعی، آموزش مهارت ها و فراهم آوردن مشاغل محلی شوند.

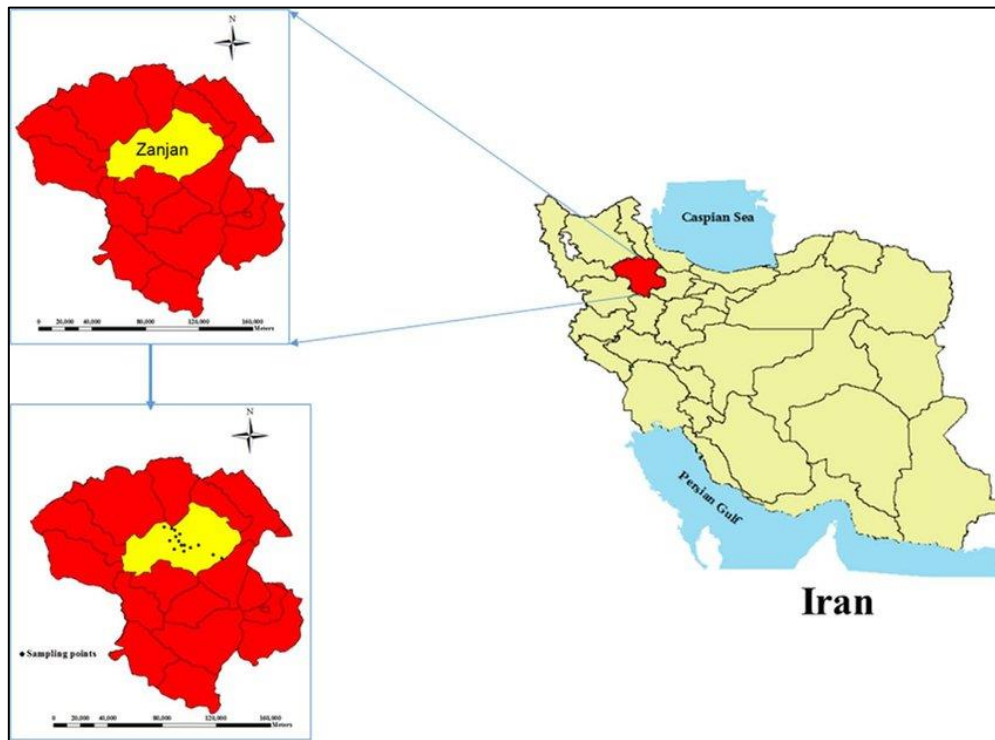
منطقه مورد مطالعه

این شهرستان در قسمت جنوبی استان زنجان واقع شده که از شمال به استان قزوین و از شرق و غرب به شهرستان ابهر و از جنوب به شهرستان خدابنده محدود می شود. منطقه خرم دره، منطقه ای کوهستانی محسوب می شود. شهرستان خرم دره با جمعیتی بالغ بر ۶۸۰۰۰ نفر در شرق استان زنجان قرار دارد که تقریباً ۵۶،۰۰۰ نفر از این جمعیت در شهر خرم دره و بقیه در روستاها ساکن هستند. خرم دره از لحاظ جمعیت پس از زنجان و ابهر سومین شهر پر جمعیت استان می باشد که ۱۸ روستا تابع آن هستند و از این تعداد ۸ روستا دارای دهیاری می باشند. زبان گفتاری مردم خرم دره ترکی آذربایجانی می باشد. شهرستان خرم دره در ۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی نصف النهار مبدأ و ۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۱۰ دقیقه شمالی خط استوا قرار گرفته است. وسعت آن ۳۹۴/۵ کیلومتر مربع و کوچکترین شهرستان استان است. جمعیت شهرستان طبق آمار سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۶۷۹۵۱ هزار نفر بوده که از این تعداد ۵۵۳۶۸ نفر ساکن شهر خرم دره می باشد. خرم دره دارای یک بخش، یک شهر و دو دهستان می باشد.

از لحاظ جغرافیایی؛ این شهر بلندترین ارتفاع ۳۰۰۰ متر واقع در ارتفاعات الوند و کمترین ارتفاع که تقریباً اکثر نقاط شهرستان را شامل می شود برابر ۱۵۰۰ متر است. ارتفاع شهر از سطح دریا ۱۵۷۵ متر می باشد. مساحت شهرستان ۴۰۷ کیلومتر مربع می باشد. این شهرستان در قسمت جنوبی استان زنجان واقع شده که از شمال به استان قزوین و از شرق و غرب به شهرستان ابهر و از جنوب به شهرستان خدابنده محدود می شود. منطقه خرم دره، منطقه ای کوهستانی محسوب می شود و از نظر طبیعت زیباترین جنگل ها و باغات میوه را در استان زنجان دارا می باشد که به همین دلیل به این شهرستان نگین سبز استان نیز گفته می شود. شهرستان خرم دره پتانسیل زیادی از لحاظ صنعت و کشاورزی دارد. گروه صنعتی مینو، شرکت شیشه ضد گلوله میرال، سرم سازی که از بزرگترین واحدهای تولیدی شمال غرب

کشور است از امکانات بالفعل این شهرستان است در این شهرستان قرار دارد. سیب سرخ این شهرستان از کیفیت بالایی برخوردار است. شهرستان خرم دره دارای معادن با ارزشی می‌باشد که در حال حاضر ۸ معدن سنگ گرانیت و یک معدن مس و سلیس توسط کارشناسان مربوطه فعال می‌باشند.

نقشه ۱. موقعیت استان زنجان



منبع: <https://www.researchgate.net>

خرمدره تا چندی پیش از لحاظ تقسیمات سیاسی یکی از شهرهای شهرستان ابهر بود که محدوده اطراف شهر و روستاهای گرداگرد آن را شامل می‌شده است ولی در تقسیمات کشوری سال ۱۳۷۷ با عنوان یک شهرستان مستقل به مرکزیت شهر خرمدره شناخته شد. بر اساس آخرین آمار جمعیتی سال ۱۳۷۵ جمعیت این شهرستان ۵۱،۶۸۱ نفر برآورد شده که ۳۹،۰۹۴ نفر از این جمعیت در شهر خرمدره ساکن بوده‌اند. شهرستان خرمدره از لحاظ وسعت کوچک‌ترین شهرستان استان بوده و به لحاظ تراکم نسبی جمعیت در سطح استان رتبه اول را دارا است. همچنین این شهرستان با ۷۵/۶ درصد بالاترین میزان شهرنشینی در استان زنجان را دارا می‌باشد. شهرستان خرمدره بر اساس تقسیمات کشوری آبان ماه ۱۳۸۱، از یک بخش مرکزی، ۲ دهستان به نام‌های الوند و خرمدره و یک شهر به نام خرم دره تشکیل شده است.

نقشه ۲. موقعیت شهرستان خرم دره



منبع: <https://commons.wikimedia.org/>

یافته‌ها

یکی از مولفه‌های مهم جهت دستیابی به توسعه پایدار بازآفرینی شهری است. همانطور که در تعریف بازآفرینی شهری گفته شد: منظور از بازآفرینی، دید جامع و یکپارچه به مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بی انجامد، به طوری که بهبود دائمی در شرایط اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی بافتی که دستخوش تغییر شده را به وجود آورد. بازآفرینی شهری یکی از مهمترین استراتژی‌ها برای نشان دادن محرومیت و روال درون شهر است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. یکی از مباحث مهم پیرامون مسائل شهری، مفهوم توسعه پایدار شهری است که توسعه ای مبتنی بر نیازهای واقعی و تصمیم‌گیری‌های عقلایی با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی محسوب می‌گردد.

«بازآفرینی» به مثابه روایتی فراگیر و یکپارچه از مرمت شهری، جریانی است که از یک سو به تمامی وجوه و محدودیت‌های امر توسعه در بطن شهر موجود توجه می‌کند و از سوی دیگر، به تدارک فرصت و استفاده از هر فرصتی برای تبدیل ساختن آن به ابزار یا راهی برای رسیدن به توسعه می‌پردازد (لطفی، ۱۳۹۰: ۴۸). بازآفرینی شهری، تغییر دادن ماهیت یک مکان است که اهداف و فعالیت‌های چند منظوره را با مشارکت ساکنان و دیگر عوامل مرتبط با این پروژه دنبال می‌کند. از نظر تورک (۲۰۰۵) سه مشخصه برای بازآفرینی شهری وجود دارد:

۱- بازآفرینی شهری، ایجاد تغییر در ماهیت یک شهر است و روندی است شامل جامعه و دیگر بازیگران، با توجه به آینده آن مکان.

۲- شامل اهداف و فعالیت هایی است که جزء مسئولیت های عملکردی اصلی دولت مرکزی است و به مشکلات و پتانسیل های خاص ناحیه وابسته است .

۳- معمولاً تعدادی از اشکال مشارکت را در بر می گیرد. اگر چه این اشکال مشارکتی ممکن است متغیر باشند. ایده اصلی پشت استراتژی های بازآفرینی شهری ابداعی، ادغام است. ادغام ابعاد مداخله، ادغام وظایف شهری و ادغام شرکا و منابع. این مفهوم، هماهنگی سیاست های عمومی در زمینه های دانشی و تکنولوژی، صنعت و اقتصاد، آموزش و تعلیم و تربیت، حمل و نقل، مهاجرت و... عوامل کلیدی برای موفقیت این رویکرد جدید هستند. بازآفرینی شهری را می توان بر اساس میزان توسعه کشورها تفسیر و تعریف کرد.

در اغلب اقتصادهای بیشتر توسعه یافته، هدف بخشیدن حیات دوباره ای به مرکز شهرها است که در اقتصادهای کمتر توسعه یافته به برنامه های کیفی نیز توجه کرده و آنها را لزوماً با احتیاجات کمی پیوند می دهند. بازآفرینی شهری بینش و عملی جامع و یکپارچه است که تمایل به بهبود مداوم در شرایط اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی ناحیه ای دارد که در معرض تغییر قرار گرفته است.

بازآفرینی شهری موجب توسعه می شود بررسی این موضوعی که برنامه ریزان شهری، معماران و اقتصاددانان و جامعه شناسان با آن در ارتباط هستند و به آن می پردازند. هر یک از این متخصصان به ابعاد مختلف این مساله از دیدگاه خاص خود می نگرند. به طور مثال یک جامعه شناس بیش از هر چیز دیگر، به آثار و نتایج اجتماعی فرآیند بازسازی شهری بر روی ساکنان، تاثیر بر اشتغال، بهبود کیفیت زندگی و همچنین نوسازی فرهنگی جامعه توجه دارد. بازآفرینی شهری عاملی مهم برای حفظ و پایداری شهر است. در واقع فرآیند باززنده سازی شهری با مساله توسعه پایدار ارتباط مستقیم دارد (پوراحمد، ۱۳۹۰: ۸۲).

رویکردها و نظریه های مربوط به شهر وجود دارند که به مسائل و چالش های حوزه فرسودگی و رکود شهری پرداخته اند. غالب این مسائل و مشکلات دارای ماهیت چند بعدی هستند، به ویژه در دوران معاصر و تحولات همراه با آن، عواملی را به همراه داشته است که اثرات فرسودگی و پیچیدگی راهکارهای مواجهه با آن را دو چندان نموده است، عوامل جهانی مانند تغییر مکان های تولید و عوامل محلی مانند ظرفیت های نهادی و فرآیندهای مشارکتی از آن جمله اند.

با توجه به الزامات و ماهیتی خود در مواجهه با بافت های ناکارآمد شهری، نیازمند رویکردی تدریجی و فرآیندی و پرهیز از اقدامات دفعی و مقطعی است. بررسی چارچوب های مرتبط با مدیریت بازآفرینی شهری است که نشان می دهد استفاده از تکنیک های برنامه ریزی همکارانه، تغییر نقش دولت ها و استفاده از فرآیندهای حکمروایی محلی، هماهنگی با نظام های جهانی و در عین حال توسعه ظرفیت های محلی، منجر به تحقق بازآفرینی شهری موثر و جامع می گردد بنابراین در بازآفرینی این نکات مهم ارزیابی می شود:

- اهمیت اقتصاد جهانی بر راهکارهای بازآفرینی در شهر یا منطقه .

- نیاز به ارتقاء و بهبود تصویر از شهر و تبدیل به آن تصویری جذاب در ذهن مخاطب (فرهنگ محور).
 - افزایش رقابت میان شهرها و مناطق و اهمیت یافتن مباحث رقابت پذیری و بازاریابی مکان.
 - اهمیت ایجاد شراکت های پایدار و بلند مدت میان شریکان و کنشگران محلی.
 - یکپارچه سازی اهداف و سیاست ها در برنامه های بازآفرینی شهری در راستای تحقق پایداری در کنار استفاده از ظرفیت های محله ای و تحقق توسعه محله ای پایدار.
- با در نظر گرفتن حکمروایی شهری به عنوان فرآیند مدیریت در یک محدوده یا یک زمینه سیاست گذاری، درک اجزای این فرآیندها بسیار حائز اهمیت می باشد. منظور از ابعاد حکمروایی، شامل نهادها و کنشگران درگیر (چه کسی، چه قدرت و چه وظایفی دارد و نحوه تعاملات میان آنها به چه صورتی می باشد)، شرایط ساختاری (منابع و ظرفیت های مدیریتی و قانونی) و شرایط هنجاری (ارزش ها، ایدئولوژی ها و ادراک از نهادها و کنشگران) می باشد (Kooiman, 2003). معمولاً حکمروایی به عنوان اصطلاحی گسترده تر نسبت به حکومت دیده می شود که نه تنها ساختارهای رسمی دولت (قانون اساسی، نهادهای اکثریتی و نمایندگان و زیر مجموعه های دولت، نظام حقوقی و قضایی)، بلکه شبکه های گسترده تری که از طریق آن ها قدرت جریان یافته و در یک جامعه خاص مورد استفاده قرار می گیرد (نهادهای مربوط به جامعه مدنی و بخش خصوصی) را نیز شامل می شود. بنابراین در سطح محلی، بررسی حکمروایی شهری نه تنها شامل تصمیم ها و سیاستگذاری های حاکمیتی و همچنین ظرفیت نهادهای رسمی حکومت محلی است، بلکه شامل روش هایی است که سبب پیوند ظرفیت های مبتنی بر کنش جمعی و منابع دیگر کنشگران به منظور نیل به این اهداف است.
- دربازآفرینی شهری ذینفعان و دست اندرکاران، بخش خصوصی، برنامه های دولت، مردم و شهرداری. در این فرآیند (بازآفرینی شهری) از پایداری زیست محیطی به پایداری اجتماعی و اتخاذ رویکرد اجتماع محور در مواجهه با مکان، در مجموع پارادایم مکان های پایدار شکل گرفته است رویکرد بازآفرینی شهری، یک راهبرد یکپارچه از فرآیند تصمیم سازی را ارائه می دهد که فراگیر، رقابت آمیز و از لحاظ محیطی پایدار است و همانگونه که مشاهده می شود پایداری در گروه مولفه های اجتماعی تبیین می گردد. به عبارت دیگر بازآفرینی در مسیر توسعه پایدار قرار می گیرد که:
- توسعه پایدار نگاه کوتاه مدت را به نگاه بلند مدت تغییر می دهد.
 - توسعه پایدار موقعیت مسلط اقتصاد را تضعیف می کند و آن را در وضعیتی برابر با توسعه اجتماعی و زیست محیطی قرار می دهد. این تقاضاها نسبت به تقاضاهای عمومی جامعه قدرت بیشتری دارند.
 - حمل و نقل عمومی در رقابت با اشکال خصوصی آن شکست خورده است. فضای عمومی مردم باید راه را بر تاسیسات تبلیغاتی و تجاری مشاغل اختصاص دهد.
 - بازار در زمینه ثبت نشانه های اجتماعی و زیست محیطی از طریق سازوکار قیمت شکست خورده است. هزینه های اجتماعی در قیمت های بازار وارد نشده اند. در سیستم بازار، هزینه تضادهای اجتماعی مربوطه

به قربانی‌ها، رنجش انسان‌ها و مرگ آنها مورد توجه قرار نگرفته است، همه این موارد در مورد محیط زیست نیز اعمال شده است.

دولت می‌تواند از طریق تحمیل قیمت‌های واقعی نقایص بازار را اصلاح کند. این امر مستلزم این است که دولت‌ها خود را کاملاً به خدمت به منافع جامعه و محیط زیست متعهد نمایند. توسعه مستلزم نظام اصیل کنترل‌ها و تعادل‌هاست تا از طریق همکاری برابر و سه‌جانبه دولت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مرتبط جامعه مدنی، اصلاحات نظام بازار را اعمال نموده و نقایص حکمرانی را جبران کنند. مطابق با نظریه‌های ارائه شده بازآفرینی شهری پایدار در ابعاد محیطی و نهادی مورد تأیید قرار می‌گیرد. سیر تحول بازآفرینی در طول زمان، بایست مشاهده شود و مضامین سنتی نظیر نیازهای اساسی شامل: مسکن و سلامتی زیست محیطی، تعلیم و تربیت و مهارت‌ها، عدالت، کاهش فقر و افزایش سرزندگی، به طور فزاینده‌ای کامل‌تر شود و یا با مفاهیمی چون هویت، حس مکان و فرهنگ، قدرتمند شدن مشارکت و دسترسی، سلامت و امنیت، سرمایه اجتماعی، رفاه، شادی، کیفیت زندگی و منافع شبکه‌های اجتماعی و یا به عبارتی اهداف نرم در مقابل اهداف سخت جایگزین گردند. در این صورت می‌توان انتظار داشت که فرایند بازآفرینی شهری خرم‌دره در مسیر درست توسعه پایدار قرار دارد که شهروندان مستحق یک زندگی سالم و مولد در هم‌سازی با طبیعت می‌باشند همچنین انسان محور توسعه و سزاوار بهداشت، امنیت، فرهنگ، آموزش، دانش و توسعه ارتباطات و اطلاعات است.

جهت تقویت و شکل‌دادن به توسعه پایدار شهری و ابتکار عمل‌های بازآفرینی، حمایت گسترده‌ای از اصول توسعه پایدار باید در شهر صورت پذیرد. در اینجا هر یک از مولفه‌های چهارگانه ابعاد محیطی که شامل (ساختارکالبد فضایی، تراکم، حمل و نقل) با متغیر وابسته (توسعه پایدار شهری) آزمون می‌شود. با تقویت ساختارکالبد فضایی توسعه پایدار شهری بیشتر اتفاق می‌افتد. بدین معنا که ساختار کالبد فضایی مناسب‌تر منجر به توسعه شهری پایدارتر می‌شود.

میزان همبستگی بین دو متغیر کالبد فضایی با توسعه پایدار شهری نشان می دهد علیرغم این که کالبد فضایی (مکان و فضای شهری) به عنوان یک مولفه محیطی نقش مؤثر و مهمی در ارتباط انسان و محیط دارد. اما ساختار کالبد فضایی شهر از سطح بالایی برخوردار نبوده. بویژه در بافت سنتی شهر که با عدم تناسب مواجه است. موضوعی که همواره بایست مد نظر طراحان شهری باشد توجه به این مطلب است که ساختار صحیح کالبد شهری؛ به شهروندان شهرویت می بخشد. این هویت مکانی است که احساس در یک فرد یا در یک جمع را به واسطه ارتباطشان با یک مکان برانگیخته می نماید در واقع، هویت مکانی محصول تداوم هویت مکان و تبدیل شدن آن از امری بیرونی به مسئله ای درونی است. کالبد فضایی در شهر خرم دره از معیارهای ارزیابی محیط است. در معماری و رشته های طراحی محیطی، ویژگی های کالبدی نظیر فرم (رنگ، اندازه، شکل، مقیاس) و روابط اجزای کالبدی با تأمین و تأکید بر فعالیت های اجتماعی محیط، نقش مهم و مؤثر در شکل گیری هویت مکانی دارد، و در نهایت، مدلی از عوامل تأثیرگذار محیطی ارائه می دهد. محیط کالبدی در زندگی روزمره اثر گذار است. یافته های تحقیق نشان می دهند هرچه کالبد فضایی در خرم دره مناسبتر باشد توسعه شهری پایدارتر خواهد شد. مناظر طبیعی، آب و هوای مناسب و مطلوب، مدیریت شهری با ارائه برنامه ریزی شهری زمینه محیطی مناسب شهری را فراهم آورده است که خود موجب شده تا مردم در شهر در قسمت هایی که توسعه پیدا کرده استقبال به عمل آورند.

با تراکم جمعیت توسعه پایدار شهری بهتر اتفاق می افتد. بدین معنا که در مناطق با تراکم جمعیت بالاتر توسعه شهری پایدار بیشتر ممکن می شود. تراکم ها بر اساس نوع و جنس به دو دسته تقسیم می شوند: الف) تراکم جمعیتی که با واحد نفر در هکتار مشخص می شود ب) تراکم ساختمانی که معمولاً به صورت درصد بیان می شود. تراکم شهری با پایدار شهری ارتباط دارد. تراکم مسکونی در هر شهر از نسبت جمعیت شهر بر بخش های ساخته شده شهر به دست می آید سطح ساخته شده شامل کلیه کاربری های موجود در شهر، از مسکونی تا تفریحی و امثال آن نشان داده می شود. هرچند نسبت تراکم مسکونی با جمعیت تناسب دارد اما این تناسب در همه جای شهر دیده نمی شود و در خیابانهای اصلی شهر این نسبت بهم می خورد. میزان همبستگی این دو متغیر $0/447$ است. یافته های تحقیق نشان دادند هرچه بین تراکم شهری (نسبت جمعیت و مساحت) متناسب باشد شهر بیشتر به سمت توسعه پایدار خواهد رفت.

شهر خرم دره به لحاظ تقسیمات شهری از سه قسمت شمالی (با بیشترین تراکم جمعیت) - قسمت جنوبی (کمترین تراکم جمعیت) و قسمت شرقی (دارای تراکم جمعیت بالا) تقسیم شده است. وجود امکاناتی نظیر سیستم حمل و نقل، تسهیل در رفت و آمد، پارکها، مراکز خرید، مراکز آموزشی، مراکز اداری، مراکز تفریحی در دو بخش شمالی و شرقی شهر موجب شده است تا این قسمت ها با افزایش جمعیت و تراکم جمعیت برخوردار باشند.

با سیستم حمل و نقل یک جامعه، توسعه پایدار شهری بیشتر اتفاق می افتد. بدین معنا که در مناطقی که سیستم حمل و نقل بهتری وجود دارد توسعه پایدار شهری بیشتر امکان ظهور می یابد. احداث سامانه های حمل و نقل

شهری یکپارچه که نیازهای دوچرخه سواران، عابرین پیاده و مسافریین حمل و نقل عمومی را در شهر اولویت قرار می‌دهد. پرداختن به شکل‌های شهر پایدار، کاستن از آلودگی‌های زیست‌محیطی، کاهش و هدر رفتن انرژی چه در مرحله ساخت و چه به هنگام بهره‌برداری، کاهش حجم سفرهای شهری، ایجاد بهترین شرایط برای حمل و نقل عمومی، جلوگیری از تخریب فضای باز شهری و طبیعی، حفظ منابع آب، حل مشکل ترافیک و آلودگی‌های ناشی از آن و غیره نشان از این امر دارد که از این پس، بخش مستقلى از طرح‌های «مرمت و بازآفرینی»، به جنبه‌های زیست‌محیطی و کالبدی و ایجاد شرایط مناسب جهت دستیابی به توسعه‌های همراه با پایداری و توسعه پایدار، اختصاص پیدا کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند هرچه نظام حمل و نقل در خرم دره از مطلوبیت و کارآمدی بیشتری برخوردار باشد موجب توسعه شهری پایدارتری نیز خواهد شد.

در مناطقی که بیشتر به محیط زیست اهمیت داده می‌شود، توسعه پایدار شهری بیشتر اتفاق می‌افتد. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهند که سهم محیط زیست در توسعه پایدار مهم است. «محیط زیست» به صورت بحث اساسی و تعیین‌کننده در جهت‌گیری‌ها و طرح‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، در شهرسازی و در نهایت توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شود. مهم‌ترین موفقیت حاصله در توسعه یک شهر به پذیرفتن لزوم اجرای کار مطابق با اهداف زیست‌محیطی و کالبدی توسعه پایدار است.

با توجه به این که شهر خرم دره از نظر کالبدی به سه قسمت تقسیم شده است به عبارت دیگر:
- قسمت شمالی شهر؛ بیشترین جمعیت را به خود اختصاص داده است و از نظر توسعه یافتگی از درجه نسبتاً بالایی برخوردار است.

- قسمت جنوبی شهر که از قسمت قدیمی شهر خرم دره محسوب می‌شود، دارای جمعیت کمتر و افرادی که از گذشته در این شهر زندگی می‌کردند. در این قسمت تراکم جمعیت کمتری به چشم می‌خورد. و مشاغل عمده ساکنین این قسمت کارگری و کشاورزی است. در این قسمت از شهر مظاهر توسعه یافتگی کمتر دیده می‌شود.

- قسمت شرقی شهر (شهرکهای جدید)؛ این قسمت از شهر از بافت جدیدتری برخوردار است و ساخت آن به سال ۱۳۶۰ برمی‌گردد. جمعیت ساکن در این قسمت از شهر بواسطه وجود امکانات شهری و تسهیلات بهتر و بیشتر و در کل توسعه بیشتر از تعداد بیشتری برخوردار است و مردم از زندگی در آن احساس آسایش می‌نمایند.

در مجموع می‌توان گفت: صنعت زدایی، خدماتی شدن، توسعه از درون، نگرش مشارکتی و تعاملی از مولفه‌های مهم و زمینه‌های اصلی بازآفرینی شهری در هر شهر محسوب می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در این شهر بواسطه این که برخی از صنایع (به استثناء کارخانه مینو) خارج از شهر فعالیت می‌کنند مردم ابراز رضایت بیشتری دارند. این امر موجب شده است تا در شهر بخش خدمات متمرکز شود. خدماتی نظیر پزشکی درمانی - سرویس‌های حمل و نقل همگانی - انتظامی - شهرداری و آموزشی و تفریحی موجب شده است تا زندگی در خرم دره بویژه در دو بخش شمالی و شرقی شهر از کیفیت بالاتری برخوردار باشد.

با تقویت متغیر اجتماعی-فرهنگی در یک جامعه توسعه پایدار شهری بیشتر اتفاق می افتد. بدین معنا که تقویت متغیر اجتماعی-فرهنگی در یک جامعه منجر به توسعه شهری پایدارتر می شود. یکی از محورهای اصلی مرتبط با توسعه پایدار مولفه اجتماعی - فرهنگی است. از نظر آمارتیا سن ، روند توسعه ای در شهر باید بتواند نیازهای جمعیت کنونی شهر را برآورده کند بدون آن که آینده تامین نیازهای های نسل های بعدی را در خطر اندازد. وجود آزادی هایی که در شهر وجود دارد ، دستیابی به فرصت های اجتماعی ، شفافیت رفتاری ، پوشش های ایمنی و تامینی ، تسهیلات اقتصادی و اجتماعی از جمله مواردی است که شهروندان در شهر باید آن را لمس کنند. به عبارتی اگر این محورها در کنار همدیگر قرار گیرند در آن صورت می توان گفت که امکان تحقق توسعه پایدار در شهر فراهم شده است. با توجه به این که مردم در شهر خرم دره از تحصیلات بالایی برخوردارند، به مولفه های فرهنگی و اجتماعی توجه نشان می دهند. این امر موجب شده است تا مردم به امور فرهنگی و اجتماعی توجه نشان دهند. این امر موجب شده است تا مردم در شهر خرم دره از زندگی در شهر احساس رضایت خاطر و امنیت داشته باشند. امنیت در این شهر از میزان بالایی برخوردار است. سواد بالا و توجه مردم به امر فرهنگ موجب شده تا سطح مشارکت مردم در امور مربوط به مسائل شهری همواره از ضریب بالایی برخوردار باشد.

با تقویت سطح اقتصادی یک جامعه توسعه پایدار شهری بیشتر اتفاق می افتد. بدین معنا که تقویت سطح اقتصادی در یک جامعه منجر به توسعه شهری پایدارتر می شود. توسعه پایدار نیازمند اقتصاد با ثبات و نظام اجتماعی است که در برابر شوک ها مقاومت کند و امکانات رفاهی را برای نسل های آینده تضمین نماید، عواملی مانند تورم، انحصارگرایی، فقر و آلودگی محیط زیست نشانگر عدم بهره برداری صحیح از منابع طبیعی و اقتصادی و محرومیت قشر وسیعی از آحاد جامعه از منافع حاصله می باشد که حاکی از فقدان فرصت های برابر و وجود ناآزادی های استفاده همگان از امکانات موجود است که به نابرابری ها دامن زده و سبب توسعه نیافتگی می شود. مطابق با یافته های بدست آمده از تحقیق حاضر، در شهر خرم دره وضعیت اقتصادی در حد متوسط است و بیشتر مردم با مشاغلی چون کارمندی ، کارگری و کشاورزی اینگونه اظهار نظر می کنند که؛ وضعیت اقتصادی شهرشان تابعی از اقتصاد کلان کشور است. کشاورزان نیز به عنوان قشری مهم و تولید کننده معیشت خود را وابسته به برنامه ها و سیاست های دولت دانسته اند. البته نباید از این نکته غافل بود که در چند سال اخیر خیل جوانان بیکار و تحصیلکرده از وضعیت خود ناراضی بوده و می گفتند برای رسیدن به توسعه پایدار شهری قبل از هرچیز بایست مدیران شهری به مولفه اقتصاد توجه نشان دهند.

کلام آخر؛ می توان از برنامه های توسعه پایدار در طرح ها و برنامه های موجود استفاده کرد، آن را برای برآورد تک تک پروژه ها به کار برد و یا پایه ای گفت و گوهای برنامه ریزی های کلان قرار داد؛ اما از ساده زیستی عامیانه به دور بود.

- در رویکرد توسعه پایدار تنها بر محیط زیست تمرکز نیست. این کاملاً حقیقت دارد که توسعه ی پایدار با پذیرش این واقعیت به وجود آمد که برای رسیدن به آینده ای پایدار باید از محیط زیست حفاظت کرد، اما به این اصل ختم

نمی‌شود. محیط زیست جایی است که همه‌ی ما در آن زندگی می‌کنیم و توسعه عبارت از کارهایی است که برای بهبود فضای خود که در منزلگاه همگانی جای گرفته است، انجام می‌دهیم. توسعه‌ی پایدار بر این باور است که انسان‌ها بر محیط زیست تاثیر فراوان گذاشته‌اند و متقابلاً به وسیله‌ی آن شکل گرفته‌اند.

- توسعه‌ی پایدار به الگوهای برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مختوم نمی‌شود. توسعه فراتر از طرح و اجرای پروژه‌های انفرادی و فضاهای کالبدی است. این توسعه، روشی برای زندگی است، بر جلب مشارکت گسترده‌ی مردم تاکید دارد. ایده‌ها و برنامه‌هایی که در محل و با مشارکت مردم طراحی می‌شود معمولاً پابرجا می‌مانند زیرا احساس تعلق ایجاد می‌کنند. بنابراین شعار (بومی‌بیندیش اما جهانی عمل کن) که پیش از این به کار می‌رفت، در اینجا مصداق می‌یابد. در واقع توسعه‌ی پایدار فرآیندی است که با مشارکت مردم (از پایین) و اقدامات مسئولان (از بالا) شکل می‌گیرد. پیمان نامه‌های جهانی که کشورهای گوناگون برای اطمینان بخشیدن به پایداری تدوین کرده‌اند، امری لازم اما ناکافی شمرده می‌شوند. این پیمان نامه‌ها در سطح جهان توسط دولت-ملت‌ها که آنها امضاء کرده‌اند اجرا می‌شوند. در اجرای این تعهدات لازم است از خرده‌کاری پرهیز و در سطح کلان عمل کرد.

- **سرانجام**، رویکرد توسعه پایدار در سطح کلان و در منطقه موجب می‌شود تا مردم شهر آلودگی در محیط زیست را فراتر از وجود کارخانه دانسته و به عوامل نامرئی دیگر (سموم، عوامل خطرزا و...) توجه نشان دهند. امنیت خود را تنها در بعد فردی نبینند بلکه در بعد وسیع شهری (اقتصادی - اجتماعی و...) در نظر گیرند. با مشارکت خود در برنامه‌های شهری و توسعه‌ای همکاری‌های لازم را داشته باشند. چراکه در این صورت است که با قبول و پذیرش برنامه‌های توسعه، کار مشترک و جلب مشارکت همه‌جانبه‌آحاد ساکنان، مالکان و افراد علاقه‌مند و ذینفع در امر بهسازی و نوسازی هر محله، صرفاً در یک بستر شفاف، مطمئن و مملو از اعتماد متقابل تحقق پیدا می‌کند و مدیریت شهری نیز فارغ از مباحث حقوقی و قراردادی برای اعتماد سازی به عنوان یک عنصر حیاتی، ارزشمند و موثر در جلب مشارکت مردم برای پیشبرد اجرای طرح‌های خود گام بر می‌دارد. در توسعه‌ی پایدار از نقش مهم اقتصاد و بازارهای ملی آگاهی کامل دارد، اما هرگونه برداشت ساده‌انگارانه‌ای که تحقق (پایداری) را از راه‌های انفرادی کشورها و یا سپردن امور به قوانین بازار امکان‌پذیر می‌داند، مخالف است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

همانطور که در سطح کلان کشور برنامه توسعه وجود دارد در شهرستان نیز نیاز به مدیرانی است که دارای خلاقیت و برنامه‌ریزی باشند تا امور را بدست بگیرند و در زمینه توسعه عمران شهری و اجرای طرح‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذار با دادن امتیازات خاص همچون وام‌های بلندمدت کم بهره و نظارت در هزینه‌وام در طرح مورد نظر در اجرای طرح‌های اقتصادی بویژه در زمینه خدماتی موجب توسعه شد.

در زمینه توسعه شهری علاوه بر داشتن برنامه جهت همکاری مردم، رفع موانع لازم و ضروری است مشروط بر اینکه تصمیم گیران آشنا به برنامه ریزی باشند و اعتقاد به توسعه شهرشان در زمینه اقتصادی اجتماعی و شهری داشته باشند.

جهت توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...) و پایدار شهری خرم دره شاخص هایی بایست مد نظر قرار گیرد:

- جمعیت: افزایش نرخ رشد جمعیت خرم دره و عدم هماهنگی توسعه شهری نسبت به رشد جمعیت و مهاجر پذیر بودن آن

- موقعیت اقتصادی: باتوجه به موقعیت جغرافیایی خرم دره و دسترسی آسان به شریان های اصلی که در تولید منابع اقتصادی در کشور خودنمایی می کنند (تهران و قزوین و...) تاکنون این شهر زیبا به لحاظ زیرساختها باتوجه به موقعیت، خیلی ضعیف عمل کرده و تنها زیرساختی که می توان از آن به عنوان کارنامه مورد قبول دانست راه آهن خرم دره است که قطعا یکی از اهرم های پیشرفت اقتصاد حوزه حمل و نقل می باشد.

- کشت و صنعت بنیاد که در این منطقه سر آمد شمال غرب کشور می باشد که از بطن بنیاد چندین فرصت شغلی می توان خلق نمود.

- برنامه ریزی واحد و یکپارچه: کالبد شکافی مسائل و مشکلات شهری جهت برنامه ریزی مناسب، تعدد موضوعات و سازمان های دخیل در امر برنامه ریزی به دلیل پیچیدگی ذاتی شهر، مسئولین برنامه ریزی و سیاستگذاران شهری را به ناچار مجبور خواهد کرد جهت رفع مسائل و مشکلات شهری برنامه ای واحد و یکپارچه اتخاذ کنند تا در این راستا مسئولین را جهت بررسی کمبودها و مشکلات ترغیب سازد و کارهای مورد نیاز را مدنظر قرار دهند.

- توانایی و پتانسیل نوآوری و ابداع: ایجاد ظرفیت و گشودن دروازه های نوآوری و ابداع در تمامی زمینه ها و تعیین افق در این مورد، کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

(ج) پتانسیل و ظرفیت مربوط به زیرساخت منطقه ای:

طلایی ترین امتیاز شهر خرم دره بدلیل سیاست بازی ها و جزیره ای عمل کردن که موجب شد تا شهر از ریل خارج شود. بنابراین شناخت پتانسیل های زیرساختی، تأسیسات و تجهیزاتی که شهر را با بقیه نقاط کشور و جهان در ارتباط قرار داده، مانند سیستم های حمل و نقلی (ریلی، جاده ای) بسیار مهم می باشد.

(د) سرمایه اجتماعی:

عدم بکارگیری سرمایه های اجتماعی جهت استفاده از توانایی های مردم برای تحقق اهداف مشترک گروه ها و ادارات و سازمانها برای توسعه شهر. برای شناخت میزان و یا ظرفیت سرمایه اجتماعی در شهری می توان از شاخص های زیر استفاده کرد:

- سرمایه های اجتماعی باید بررسی و شناسایی شوند و این موضوع مستلزم یک سری اقدامات می باشد:

- آموزش: با آموزش و سرمایه‌گذاری می‌توان تخصص‌هایی که جهت رشد اقتصادی مورد نیاز هست انجام داد که در شهر خرم دره واقعا کار دشواری است ولی غیر ممکن نیست.
- امنیت و کالبد شهر: این موضوع نیز باید جدی گرفته شود که این دو مکمل یکدیگرند. اگر این دو موضوع در روح شهر دمیده و نمایان شود سرمایه‌گذاران بیشتر ترغیب خواهند شد.
- تجزیه و تحلیل شاخص‌هایی که در پژوهش حاضر جهت تحلیل نقش بازآفرینی شهری و رابطه آن با توسعه شهری در شهر خرم دره بکار رفت، تنها موجب درک و شناخت در نقطه زمانی معینی برای ما فراهم می‌نماید و بر اساس یافته‌های بدست آمده، شواهد کافی از پایداری یک شهر را برای ما فراهم نمی‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در این زمینه، مولفه‌های دیگر توسعه و زمینه‌های بوجود آورنده آن در دوره‌های مشخص مورد سنجش قرار بگیرند.
- در سنجش مولفه‌های توسعه پایداریست به ظرفیت‌های کارآمد و درون ساختار شهرها به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی و نهادی توجه نمود تا از این طریق بتوان نه تنها از وضعیت موجود شهر آگاه بود بلکه از عهده‌ی اختلالات و آشفتگی‌های غیر منتظره و البته پیش‌بینی نشده برآمد. بنحوی که بتوان به کمک آن با شرایط در حال تغییر و پویا و دینامیک، تطابق و سازگاری پیدا کرد. لذا پیشنهاد می‌شود تا تحقیقات در این زمینه با حمایت نهادها و یا سازمان‌های دولتی به منظور بهره‌بردن از نتایج تحقیق و اعمال و اجرای آن صورت پذیرد.
- شاخص‌های زیادی در توسعه پایداری سهم دارند و بازآفرینی شهری نیز یکی از آنها در امر توسعه پایداری محسوب می‌گردد لذا پیشنهاد می‌شود تا با توجه به ساختار و فضای شهری نظیر شهر خرم دره تاثیر بازآفرینی شهری در تمامی قسمت‌های شهر (بافت‌های جدید و بافت فرسوده) مورد توجه قرار گیرد.
- در سنجش توسعه پایداری بایستی به بعد زمانی و عمق پایداری توجه لازم مبذول گردد. این امر را می‌توان در قالب چهار زمینه در نظر گرفت: ۱- پایداری رفاه اقتصادی نسل‌های مختلف. ۲- پایداری وضعیت در دوره عمر بشر. ۳- پایداری و دوام جریان تولید و مجموعه اقتصادی. ۴- پایداری جامعه انسانی. ملاک قرار بگیرد. لذا تحلیل از وضعیت شهر خرم دره منوط به بررسی این مولفه‌ها نیز می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که محققان آتی به مولفه‌های مورد اشاره در توسعه پایداری توجه داشته باشند.
- از آنجا که توسعه انسانی محور اساسی توسعه پایداری است. (به تعبیر سن تامین آزادی‌های اساسی به افزایش توانمندی‌ها و رفع محرومیت و فقر و بالا بردن سطح کیفیت زندگی و توسعه می‌انجامد به این ترتیب ترکیبی از آزادی و عدالت زمینه ساز پایداری می‌گردد. از این رو نظریه خوب زیستن یا زندگی خوب سن می‌تواند مفهوم توسعه پایداری را داشته باشد). جهت سنجش توسعه پایداری شاخص‌های متعددی مانند شاخص توسعه انسانی، شاخص رفاه اقتصادی پایداری، شاخص پایداری سن و شاخص‌های دیگر که هر یک ابعاد مختلف را مطرح کرده اند

بکار گرفته شوند به این منظور به محققان آتی پیشنهاد می گردد برای وضعیت دقیق مردم در شهر خرم دره از دو رویکرد توامان کمی - کیفی استفاده نمایند.

منابع

- افتخاری، رکن الدین، عبدالرضا و همکاران (۱۳۸۹). راهبردهای توسعه آموزش توسعه پایدار در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۸.
- ایمانی جاجرمی، حسین، مهرناز بیگدلی و سیمین حناچی (۱۳۹۰). مدیریت شهری پایدار: بررسی تجارب مشارکتی شهرداریها و شوراهای اسلامی شهرها ایران، تهران: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
- ایمانی، جاجرمی، حسین (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، وزارت کشور، سازمان شهرداری های کشور، سال دوم، شماره ۷.
- بحرینی، حسین، ایزدی، محمد سعید، مفیدی، مهرانوش (۱۳۹۲). رویکردها و سیاست های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). فصلنامه مطالعات شهری، ۳.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶). سیر اندیشه ها در شهرسازی، تهران: انتشارات شهرهای جدید.
- پور احمد، احمد، حبیبی، کیومرث، کشاورز، مهناز (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت های فرسوده شهری.
- پور احمد، محمد (۱۳۹۰). هرم بازآفرینی شهری با استفاده از مدل SWOT (نمونه موردی: بافت شهری تاریخی شهر بابل)، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، سال سوم.
- پور اصغر سنگاچین، فرزاد (۱۳۹۴). شاخص های توسعه پایدار از MDGS تا SDGS، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
- پور جعفر، محمدرضا (۱۳۸۸). مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام.
- جواهری، فاطمه؛ بالاخانی، قادر (۱۳۸۵). رسانه جمعی و اعتماد: بررسی تأثیر رسانه های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)، علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، شماره ۷، ص ۱ تا ۲۹.
- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۶). «مقدمه ای بر سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری (دوره زمانی بعد از جنگ جهانی اول تا آغاز هزاره سوم)». اندیشه ایران شهر، فصلنامه ای در زمینه شهرشناسی. سال دوم، شماره نهم و ده.
- حناچی، پیروز، فدایی نژاد، سمیه (۱۳۹۰). تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی - تاریخی، نشریه هنرهای زیبا، ۴۶.
- رابرتز ماریون (۱۳۸۱). طراحی شهری و تجدید حیات شهری. ترجمه بهرام معلمی. فصلنامه هفت شهر. ۱۱
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۳). توسعه پایدار، تهران: انتشارات سمت.

- زاهدی، شمس السادات؛ خانباشی، محمد (۱۳۹۰). از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)، پژوهش‌های مدیریت در ایران، شماره ۴، ص ۷۳-۹۶.
- زنگی آبادی، علی، مویدفر، سعید (۱۳۹۰). رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده، برزن شش‌بادگیری شهر یزد، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۹.
- ستاری، محمد حسین، احمدیان، هوشمند (۱۳۹۱). شاخص‌های توسعه پایدار شهری، فصلنامه توسعه اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، سال سوم، شماره ۱۳.
- سلطانی پور، فرزانه، دماری، بهزاد (۱۳۹۵). وضعیت توسعه پایدار در ایران، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۴، شماره چهارم.
- سیدجوادین، سید رضا (۱۳۸۱). مبانی و کاربردهای مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان، تهران، نگاه، چاپ اول..
- شریف زاده، فتاح و رحمت اله قلی پور (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت سازمانی، سال اول، شماره ۴.
- شماعی، علی، پور احمد، احمد (۱۳۸۵). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران. شورت، جان رنای؛ کیم، یونگ هیون (۱۳۸۴). جهانی شدن و شهر، ترجمه: پانته آ لطفی کاظمی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۹). شهر پایدار چیست، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴.
- صحی زاده، مهشید؛ ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۳). «حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟ فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی. سال چهاردهم، شماره ۴۵.
- فرخ زنوزی، عباس (۱۳۸۰). «ضرورت نوزایی شهری». فصلنامه هفت شهر. سال دوم، شماره چهارم. فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۶). باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ششم. کرلینجر، فردریک نیکلز (۱۳۸۴). مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه: حسن پاشا شریفی، تهران: انتشارات آوای نور، جلد اول.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۱). نهادینه سازی توسعه پایدار، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی و مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، چاپ اول.
- کلاتتری خلیل آباد، حسین. پورا احمد، احمد (۱۳۸۴). فنون و تجارب برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول.
- کهن، گوئل (۱۳۷۶). شاخص شناسی در توسعه پایدار، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

کیا، علی اصغر؛ نادرپور، محمد رضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اعتماد مردم به تلویزیون و احساس امنیت، علوم خبری، شماره ۶، ص ۷۵-۱۰۱.

لطفی، سهند (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مینا: تاملی بر بن مایه های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۵.

معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی جیبی، گردآوری عزیزالله عزیززاده، تهران، راه رشد، چاپ سوم.

مؤسسه لغتنامه دهخدا، لغتنامه دهخدا. مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

مومنیان، آرزو (۱۳۹۰) نقش طراحی شهری در فرآیند بازآفرینی بافت های تاریخی در چهارچوب سیاست توسعه پایدار اجتماعی (نمونه موردی: محله عودلاجان در بافت تاریخی شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

مومنی، فرشاد، میلانی، مینو (۱۳۹۰). توانمندی و توسعه پایدار در برنامه سوم و چهارم توسعه ایران با رویکرد آمارتپاسن، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲.

نوابخش، مهرداد، ارجمند سیاهپوش، اسحق (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری، تهران: انتشارات جامعه شناسان، چاپ اول.

نراقی، فتانه (۱۳۷۹). «مجموعه ها، مراکز تاریخی و سیر تحول جنبش حفاظت و صیانت از آثار معماری»، هفت شهر، شماره دوم.

- Bianchini, F. & Parkinson, M. (۱۹۹۳). Cultural policy and Urban Regeneration: The Western European Experience, Manchester: Manchester University Press
- Cowan, Robert. (۲۰۰۵). «The Dictionary of Urbanism», Great Britain: Streetwise press.
- Clemens, Russell (2003), Sustainable Governance for Sustainability: Internalizing Sustainability Within a Public Service, Context-Building Local Capacity, Curtin University of technology of western Australia.
- Colantonio, A, Dixon, T. (2011). Urban Regeneration & Social Sustainability: Best Practice from European Cities, Wiley- Blackwell.
- Couch, C, Faster, C, and Percy, S (eds) (2003). Urban Regeneration in Europe, Blackwell.
- Farahanifard, S., 2010. Theological Foundations of Sustainability. j the philosophy of Religion, 7(5), pp.42-61.
- Goudarzi, G and Azadi, H., 2000. Determining of technical efficient on Iran universities hospital. Proceeding of 5th National Congress of Healthcare Administration Student. Iran, Tabriz. p.3.
- Hariri akbari, M., 2006. Management and development of civil society insitutions. j Social Science, 1(2), pp.41-45.
- Hoseyni, F. and Shariati, M., 2004. Training needs in sustainable agriculture advocates and Agriculture organization of semnan. j jahad, 285(1), pp.25-31.
- Kirkpatrick, C., 2006. Development of criteria to asses the effectiveness George of national strategies for sustainable development. j Natural Resources Forum, 30(2), pp.146-157.
- Lawrence, O., 2015. the Sustainable Development Goals: One-Health in the Worlds Development Agenda.
- Mahajan, K., 2013. Human Development index- Measurements, Change and evolution, J IEEE, 28(5), pp.1-5.
- McCarthy, J. (2007). Partnership, Collaborative Planning, and Urban Regeneration, Ashgate: London.
- McDonald, S. Naglis, M. & Vida, M. (2009). Urban Regeneration For Sustainable Communities: A Case Study. Baltic Journal on Sustainability. 15(1):49-59.5.
- Neal, P. (2003). Urban Villages and the Making of Communities, London: Spon Press.

- Ozlem, G.(2009). Urban Regeneration and increased comparative power: Ankara in an era of globalization. *Cities* Vol.26.P:27-3727.
- Omidvar,K.and Sarabi,M.,2012.Analysis and evaluation of socio-economic indicators of sustainable development.j. *geographical*,108(4),pp.177-204.
- Politics. Vol.21(1). P39-4522. Izadi, M.S(2006). A study on citycenter Regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran. Newcastle University.
- Pavoni, R. (1997). *Reviving the Renaissance: The Use and Abuse of the Past in Nineteenth-Century Italian Art and Decoration*, Cambridge University Press.
- Roberts, P. & Sykes, H. (2000). *Urban Regeneration: Handbook*, London. Sage Publications.
- Tallon,A(2015). *Urban Regeneration and Renewal, Critical Concepts in Urban Studies*, Vol.1,Routledge: London.
- Tiesedell,S.&Allmendinger,P(2001).Neighbourhood Regeneration and New Labours Third Way, *Environment and Planning C:Government and Policy* 19: 903-926.
- W.Caves, R.(2005). *Encyclopedia of the city*. Newyork: Routledge.